

نگرانی ژنرال آیرونسايد از عدم استقلال ایران!

۱۱ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۲۱:۲۹

در آن سرزمین من تنها یک مرد را دیدم که توانایی رهبری آن ملت را داشت. او رضاخان بود. مردی که عtan اختیار تنها نیروی موثر نظامی کشور را در دست داشت. آیا شاه آن قدر عاقل بود که به این مرد اعتماد کند؟

جوان و تاریخ- تاریخ شفاهی



درباره نقش انگلیسی ها در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ زیاد شنیده اید. اگرچه هنوز هم هستند کسانی که اعتقاد دارند این قیام انگلیسی نبوده است. انگلیسی ها پس از شکست در به اجرا گذاشتن قرارداد ۱۹۱۹ ناگریز بودند که به حربه دیگری متول شوند. بخصوص آنکه به غیر از ایرانیان تمامی دولت های مقتدر از جمله شوروی و ایالات متحده نیز مخالف این قرارداد بودند. اینگونه بود که گزینه کودتا را در پیش گرفتند. هدف از کودتا حفظ منافع انگلیس و تشکیل دولتی مقتدر در مقابل کمونیسم بود. عامل

کودتا نیز رضاخان میرپنج. اما همه اینها به نوعی دیگر بیان شد. به نام ایران و به اسم نگرانی از آینده ایران. خاطرات ژنال آیرونسايد بیانگر نوعی نگرانی کاذب و هدفمند انگلیسی ها است:

«خدمت من در ایران زیاد طول نکشید و من نمی توانم ادعا کنم که درباره این کشور اطلاعات عمیقی به دست آورده ام. در تمام طول این مدت نیز، تعجبم از این بود که این کشور چگونه توانسته است تا به حال استقلالش را حفظ کند. و نگرانی ام این بود که آیا ایران پس از ترک قوای ما، باز هم خواهد توانست استقلالش را حفظ کند؟»

... آنچه ایران به آن احتیاج داشت، یک رهبر بود. شاه جوان، تنبیل و بزدل بود و همیشه ترس جان خود را داشت. برخورد کوتاه من با او مرا واداشت که فکر کنم او همیشه در آستانه اتخاذ این تصمیم است که به اروپا بگریزد و ملتش را به حال خود رها کند. در آن سرزمین من تنها یک مرد را دیدم که توانایی رهبری آن ملت را داشت. او رضاخان بود. مردی که عنان اختیار تنها نیروی موثر نظامی کشور را در دست داشت. آیا شاه آن قدر عاقل بود که به این مرد اعتماد کند؟»^۱

پی نوشته ها:

۱- سر ادموند آیرونسايد، خاطرات و سفرنامه ژنال آیرونسايد در ایران، ترجمه بهروز قزوینی، تهران، نشر آینه، ۱۳۶۱، ص ۷۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۳۰۱۴-لایران-استقلا-عدم-لایرونسايد-ژنال-نگرانی/>